

بازآفرینی آثار کلاسیک:

قصه زیبای خفته

لاتیسیا پاتن^۱
بهاره بهداد

کلید واژه: آثار کلاسیک بازنویسی، بازآفرینی، بررسی قصه «زیبای خفته».

الف) انتخاب نسخه اصلی، پرو یا گریم

ب) بازآفرینی در قالب قصه‌های تقلیدی مضحک

ب - ۱) آیا آثار تغییر یافته در قالب قصه‌های تقلیدی مضحک باز هم یک قصه هستند؟

ب - ۲) عناصری که در اثر نهایی حفظ می‌شوند

ب - ۳) آنچه تغییر می‌یابد.

ب - ۳) مورد خاص فردریک کله‌مان^۲

ج) بازآفرینی در قالب قصه‌های مدرن

ج - ۱) آیا در این قالب باز هم یک قصه است؟

ج - ۲) آنچه باقی می‌ماند

ج - ۳) آنچه تغییر می‌یابد

مقدمه

نسلی در دوران کودکی با قصه‌های پریان به خواب رفته است. این قصه‌ها عامل پیوند انسان‌ها در قرون و اعصار هستند. قصه‌های پریان به فرهنگ عامیانه تعلق دارند و در قلب همه مردم جای گرفته‌اند. امروزه نویسندگان زیادی از این قصه‌های سنتی الهام می‌گیرند و با ایجاد تغییراتی در آنها، داستان‌های جدید می‌آفرینند. آیا با این تغییرات اثر نهایی باز هم یک قصه خواهد بود؟

برای این تحقیق یک قصه بهتر از بقیه تشخیص داده شد و آن قصه زیبای خفته^۳ بود. نویسندگان عصر حاضر که تمایل دارند قصه‌ای را بازنویسی کنند، ابتدا برای الهام گرفتن از آن باید یکی از نسخه‌های اصلی را برگزینند. بعد از این مرحله دو راه در پیش رو دارند که به ترتیب در این مقاله بررسی شده است. اولین راه این است که آنها می‌توانند شمای سنتی و جهان شگفت‌انگیز قصه را حفظ کنند و تنها تغییرات اندکی در جزئیات آن بدهند و راه دوم این است که قصه را به سبک قصه‌های جدید بنویسند که در آن ماجراها در زمان کنونی اتفاق می‌افتند.

الف) انتخاب نسخه اصلی، پرو^۴ یا گریم^۵

در ابتدا باید توضیح داد که کل کار بازنویسی یا اقتباس، به نسخه اصلی قصه که نویسنده به آن رجوع می‌کند بستگی دارد. منشأ قصه زیبای خفته یک روایت شفاهی است ولی آنچه که باعث انتقال آن از قرون گذشته به دوره ما شده است، دو نسخه اصلی از دو نویسنده می‌باشد. یکی از آنها شارل پرو می‌باشد با کتاب **قصه‌های مادرم اوی**^۶ که در سال ۱۶۹۷ در فرانسه به چاپ رسید و نویسنده دوم برادران گریم می‌باشند و کتابی با عنوان قصه‌های کودکانه و خانوادگی^۷ را در بین سال‌های ۱۸۱۵ - ۱۸۱۲ در آلمان منتشر کردند.

تفاوت عمده این دو نسخه اصلی در پایان قصه می‌باشد. در حقیقت قصه شارل پرو برخلاف انتظار عمومی و همان‌طور که والت دیسنی^۸ با بوسه شاهزاده جوان و ازدواج به پایان نمی‌رسد، بلکه نیمه سوم داستان قصه‌پرو، غم‌انگیزترین بخش آن می‌باشد. ملکه مادر که تقریباً شبیه یک گول است، می‌خواهد در غیاب پسرش، با سس خوشمزه‌ای نوه‌ها و دختر زیبایش را از بین ببرد. برادران گریم فقط از بخشی از قصه شارل پرو الهام گرفته‌اند چون قصه آنها با بیداری شاهزاده و ازدواج او به پایان می‌رسد.



در بقیه موارد هم جزئیات دو قصه با هم فرق دارد.

نویسندگان از چه نسخه‌ای الهام گرفته‌اند؟

بعضی نویسندگان عصر حاضر در صفحه عنوان اظهار می‌دارند که از چه نسخه‌ای الهام گرفته‌اند. به عنوان مثال والت دیسنی در اثر محبوب خود و کلود دلافوس^۹ در کتاب پازل خود اعلام داشته‌اند که مستقیماً از قصه شارل پرو استفاده شده است. در داستان شاهزاده‌ای در سبد^{۱۰} در صفحه عنوان، ارجاع به داستان پرو به صورت واضح ذکر نشده است، اما در خود داستان که شرحی بر طرح قصه پرو است این ارجاع به خوبی مشخص می‌باشد. این داستان بیان می‌کند که چطور اندیشه قصه زیبای خفته به ذهن شارل پرو خطور کرده است.

در کتاب تصویری جاسمین دوبه^{۱۱} تأثیر شارل پرو کمتر به چشم می‌خورد. در واقع، حور شخصیت غول ملکه مادر پرو را به خاطر ما می‌آورد ولی این شخصیت در قصه گریم وجود ندارد. در قصه گیل کارسون لووین^{۱۲} هم مرجع داستان مشخص نیست. در حقیقت این داستان با نسخه اصلی تفاوت بسیار دارد. تنها در جزئیات اندکی می‌تواند آن را به نسخه پرو مربوط دانست، مثل تعداد پری‌های دعوت شده در مراسم غسل تعمید شاهزاده که تعداد آنها مثل قصه پرو هفت عدد است در حالی که در قصه گریم ۱۲ عدد می‌باشند.

تنها نویسنده‌ای که به نظر می‌رسد از قصه گریم اقتباس کرده است، ایوان پومو^{۱۳} است ولی در صفحه عنوان به این مورد اشاره نشده است. اما با توجه به جزئیات داستان، الهام از نسخه گریم به خوبی مشهود است. مثلاً نام شاهزاده خانم روزه‌بین^{۱۴} است و در داستان برادران گریم نام او دورنوشن^{۱۵} است که به زبان فرانسه به معنی رز خاردار یا رز - اپین^{۱۶} است. علاوه بر آن نام قهوه‌خانه‌ای که پرنس و پرنسس همدیگر را ملاقات می‌کنند «قهوه‌خانه گریم» است. پومو به خاطر ستایش از برادران گریم که الهام‌بخش او بودند، این نام را برای قهوه‌خانه انتخاب کرده است.

با این اوصاف می‌توان گفت نویسندگان امروزی به نسخه اصلی پرو بیشتر توجه کرده‌اند.

ب) بازآفرینی در قالب قصه‌های تقلیدی مضحک

یکی از روش‌های اقتباس مورد استفاده نویسندگان این است که جهان اعجاب‌انگیز داستان حفظ می‌شود ولی فقط یک یا

چند مورد جزئی تغییر می‌یابد.

برای این قسمت سه داستان بررسی گردید: کتاب جدولی با عنوان دختر زیبایی با پاهای بوگندو^{۱۷} اثر کلود دلافوس، داستان سونورا، پرنسسی در خواب عمیق^{۱۸}، از گیل کارسون لووین و کتاب تصویری گراتل در جنگل پر خار^{۱۹} اثر جاسمین دوبه، کتاب تصویری فردریک کله‌مان^{۲۰} با عنوان رؤیاهای زیبای خفته^{۲۱} که با دیگر آثار تفاوت می‌کند در قسمت پایانی به صورت مجزا به آن پرداخته می‌شود.

ب - ۱) آیا آثار تغییر یافته در قالب قصه‌های تقلیدی مضحک باز هم یک قصه هستند؟

برای آگاهی از این مسأله که اثر نهایی باز هم یک قصه است به ویژگی‌های مختلف آن می‌پردازیم. ژان وریه^{۲۲} در نشریه‌ای به نام TDC به ذکر این خصوصیات پرداخته است. به نظر می‌رسد چهار مورد از مشخصه‌های یک قصه در مورد نسخه اصلی داستان زیبایی خفته صدق می‌کند.

• فرمول مستعمل داستانی که در ابتدا و انتهای داستان وجود دارد

این فرمول‌ها قصه را در ردیف افسانه‌های غیرواقعی قرار داده‌اند. نویسندگان با حفظ جهان داستان نسخه اصلی، ناخودآگاه این فرمول‌ها را هم تغییر ندادند. - «یکی بود یکی نبود» و «آنها با هم ازدواج کردند و بچه‌های زیادی به دنیا آوردند» - به این ترتیب داستان از دید خواننده در ردیف قصه‌ها جای می‌گیرد. کلود دلافوس و جاسمین دوبه هم از این فرمول‌ها استفاده کرده‌اند.

با تعجب باید گفت که گیل لووین اثر خود را با «یکی بود یکی نبود» آغاز نکرده است و جملات آغازین خواننده را خیلی سریع داخل داستان می‌کند. با این حال، پایان



آن دقیقاً شبیه همان جمله‌های مرسوم است: «و آنها سالیان درازی با خوشبختی با هم زندگی کردند».

● یک روایت غیرواقعی و بدون زمان مشخص

در این قصه زمان از قواعد خاص خود پیروی می‌کند. می‌توان در طی صد سال خشک شد و بی‌حرکت ماند. غیرواقعی بودن آن با مشخص نبودن زمان و مکان روایت مشهود است. این مشخصه در داستان‌های هر سه نویسنده وجود دارد. آنها جهان غیرواقعی و بدون زمان داستان را حفظ کرده‌اند که این امر تنها با جادو و چیزهای شگفت‌انگیز امکان‌پذیر است.

● وساطت چیزهای اعجاب‌انگیز

شخصیت‌های جادویی مثل پری‌ها، جادوگر، غول و اشیای جادویی یا افسون شده و مکان‌های سحرآمیز مثل قصرها، پریان، افسون‌ها و شخصیت‌های داستان و مکان‌های سحرآمیز نتیجه روایت‌های بی‌زمان این سه نویسنده است. قهرمانان آنها در قصرها زندگی می‌کنند و افسون‌ها و موهبت‌های‌شان ناشی از حور پریان و جادوگرهایی است که جادوی خود را در روز موعود نشان می‌دهند.

● شخصیت‌های نامشخص

شخصیت‌ها در آثار کلاسیک، اسم کوچک ندارند. آنها معمولاً القابی دارند و یا اینکه با نام‌هایی خوانده می‌شوند که نشان‌دهنده خصوصیاتی از آنها باشد (پرنس، زیبا و...) این مسأله باعث می‌شود که هر کس بتواند مطابق تصورات خود آزادانه شخصیت‌ها را بیافریند و به آنها هویت بخشد. تنها نویسنده‌ای که بی‌نامی شخصیت‌ها را حفظ کرده است کلود دولافونس با کتاب **دختر زیبا** با **پاهای بوگندو** می‌باشد.

اما در موارد دیگر مثل **سونورا، پرنسسی در خواب عمیق** اثر گیل کارسون لووین و **گراتل در جنگل خاردار** اثر جاسمین دوبه، قهرمان کتاب با نامی خوانده می‌شود که در عنوان داستان‌ها نیز ذکر شده است. ضمناً باید خاطر نشان کرد که شباهت آوایی میان پل ۲۳ در نسخه اصلی قصه و گراتل ۲۴ در داستان گیل کارسون لووین وجود دارد. مشخص بودن نام تنها در مورد قهرمان داستان نیست بلکه در مورد همه شخصیت‌های داستان صدق می‌کند که خود ناشی از نیاز و عادت است که خوانندگان جوان امروزی دارند. آنها دوست دارند شخصیت‌ها را بیشتر بشناسند تا بتوانند ماجراها را دنبال کرده و خود را به جای شخصیت‌های داستان بگذارند.

ب - ۲) عناصری که در اثر نهایی حفظ می‌شوند

در این قسمت از نزدیک به بررسی عناصر حفظ شده در اثر نهایی می‌پردازیم و سپس عناصری را که تغییر کرده‌اند، ذکر می‌کنیم. با این تطبیق بهتر متوجه می‌شویم که نویسندگان چگونه نسخه اصلی را تغییر داده‌اند. همان طور که قبلاً ذکر شد، شخصیت‌های جادویی و اعجاب‌انگیز مثل پریان در قصه نهایی وجود دارند، پس این عنصر حفظ شده است. آنها و اینکه هیچ کس در داستان از کارهای آنها متعجب نمی‌شود، خواننده را به دنیایی دیگر و زمانی غیرواقعی



و عجیب منتقل می‌کند. شخصیت‌های غول‌مانند فقط به وسیله جاسمین دوبه انتخاب شده‌اند. اما در هیچ‌یک از آنها برخلاف اثر پرو که آزاردهنده است اثری از ملکه غول مادر دیده نمی‌شود، بلکه غول مردی است که پرنسس را بیدار می‌کند و هیچ نسبت خانوادگی با او ندارد.

مدت زمان «صدسال» در هر دو داستان پرو و گریم وجود دارد. با این وجود فقط گیل کارسون لووین آن را حفظ کرده است. اما باید گفت حفظ این عنصر در داستان گیل باعث یک تأثیر واقع‌گرایانه در داستان او شده است. در حالی که در نسخه‌های اصلی، این تأثیر را نداشته است. در حقیقت، نویسنده مذکور شخصیت‌های داستان را بعد از یک قرن خواب ترسیم کرده است و حتی از ذکر جزئیات نیز دریغ نکرده است مثل فرسودگی نیمکتی که پرنس روی آن خوابیده و ترسیم پرنسس که در تارهای عنکبوت و گردوغبار و خرده‌های رنگ پوشیده شده و دیگر مثل گذشته جذاب نیست.

جاسمین دوبه مدت زمان افسون و نحوه توقف آن را مشخص نکرده است. در حقیقت در قصه زیبای خفته نه مدت زمان «صدسال» و نه افسون (غوطه‌وری در خوابی عمیق) جزو هیچ‌یک از عناصر حفظ شده و یا مشخصه داستان قرار نمی‌گیرد. عنصری که ویژگی‌ای مهم قلمداد می‌شود و همه نویسندگان آن را در داستان خود حفظ کرده‌اند، مراسم غسل تعمید پرنسس است که در آن پریانی موهبت شگفت خود را به پرنسس هدیه می‌دهند به جز یکی از آنها که از پیش دعوت نشده بود و او افسونی هولناک برای پرنسس در نظر می‌گیرد. اما آخرین پری می‌تواند با آرزوی خود، افسون جادوگر را تقلیل ببخشد. همچنین باید گفت که در اکثر موارد به جز داستان کلود دولافوس پدیدار شدن افسون به عنوان مشخصه داستان در نظر گرفته شده است. چرخ ریسندگی پرو و گریم به وسیله گیل کارسون لووین هم استفاده شده است. جاسمین دوبه چرخ خیاطی را جایگزین چرخ ریسندگی کرده است. با این وجود، تصویرگر داستان، دوریس بارت^{۲۵} به جای تصویرسازی یک چرخ خیاطی امروزی، نوع قدیمی آن را کشیده است تا خصوصیت بی‌زمانی قصه برای خوانندگان جوان حفظ شود.

ب - ۳) آنچه تغییر می‌یابد

چگونه نویسندگان ضمن حفظ زمینه داستان، موفق به تغییر آن می‌شوند؟ در واقع نویسندگان جزئیات داستان را تغییر می‌دهند. یکی از آنها راجع به موهبت پریان است. سونورا، قهرمان داستان گیل کارسون لووین مانند پل^{۲۶} (زیبا) در داستان پرو علاوه بر زیبایی، قلبی عاشق، سلامتی خدشه‌ناپذیر و نبوغ و هوشی ده برابر مرد عادی دریافت می‌کند. نویسنده دیگری تغییری در افسون ایجاد می‌کند. زیبا، قهرمان داستان کلود دولافوس در طی صد سال به خواب نمی‌رود بلکه «روی مدفوع سگ‌ها راه می‌رود و پایش همیشه بوی بد می‌دهد» این تغییر طنزگونه در جزئیات داستان مثل، تغییر موهبت و افسون، کل داستان را عوض کرده است و نتایج جالب و پیش‌بینی نشده‌ای را به همراه داشته است. به این ترتیب که حسن اصلی پرنس زیبا، سونورا، فضول بودن او در تمام امور است و حسن زیبا، قهرمان کلود دولافوس این بود که همیشه آب بینی‌اش آویزان بود.

جاسمین دوبه هم به نوبه خود درصدد تغییر دیدگاه‌ها برآمده است. یعنی خوب، بد شود و بد، خوب. با توجه به این اصل، موهبت‌های پریان دیگر زیبایی نبود، بلکه آرزو کردند پرنسس زشت باشد با دندان‌هایی بزرگ و نامرتب و انگشتانی خمیده؛ افسون پرنسس نیز برعکس بود: [تبدیل شدن به زیباترین و دلرباترین و مهربان‌ترین پرنسس‌ها]. در این داستان، نویسنده ارزش‌ها و اخلاقیات را برعکس جلوه داده است. این کار روشی برای طعنه زدن به جامعه است. با این روش نویسنده همراه با خوانندگان جامعه را به باد استهزا می‌گیرد.

بنابراین، یک قصه مضحک تنها با تغییراتی جزئی می‌تواند ارزش‌ها، محتوای داستان و ساختار و پیام اخلاقی داستان اصلی را عوض کند. نویسنده با به کارگیری تمسخر و برداشت‌هایی از اصل داستان توانسته به برقراری ارتباطی مخفی میان خود و خواننده موفق شود.

ب - ۳) مورد خاص فردریک کلهمان

فردریک کلهمان یک تصویرگر است. برخلاف آثار قبلی، او در کتاب تصویری خود با عنوان رؤیاهای زیبای خفته متن اصلی شارل پرو را حفظ کرده است. اما او رؤیاهای «زیبا» را در خوابی عمیق، تصور کرده است. در حقیقت اصل داستان در قلب کتاب معلق می‌ماند و بیست صفحه مجزا که از شعر و عکس و نقاشی پر شده است، به کتاب وارد می‌شوند.

این مشخصه کتاب، نشانه کتاب‌های کودکان است. اما متن کتاب، عمیق و پیچیده است. تصاویر بیشتر تاریک هستند و گاهی نمادی از رؤیاهای پرنسس را در خواب نشان می‌دهند. با این تصاویر گویی زیر پلک‌های پرنسس می‌رویم و با متن عجیب کتاب که نیمه بصری و نیمه شعری است خود را به داستان می‌سپاریم؛ تصاویری کم‌رنگ بسان پروانه‌هایی در هر سو می‌چرخند، بخش‌هایی از تابلوهای آثار کلیمت^{۲۷} یا ادی لون ردون^{۲۸} را که یادآور مناظری در ونیز هستند و عکس‌هایی از طبیعت بی‌جان ما را متعجب می‌سازند. همه اینها و حشره‌ای که نسخ یافته یک پرنسس می‌باشد جلوه‌هایی بدیع هستند. برخلاف آثاری که معرفی گردید، این کار اثر یک تصویرگر است و مخاطب کتاب، بزرگسالان هستند (نوجوانان و بزرگسالان). بنابراین کتاب تصویری کلهمان

گویای این مطلب است که تغییر بنیادی داستان و تغییر مخاطب آن امکان‌پذیر است.

ج) بازآفرینی در قالب قصه‌های مدرن

نویسنده می‌تواند روش دیگری از بازآفرینی را استفاده کند. حذف دنیای اعجاب‌انگیز و تبدیل قصه مطابق با شرایط زمانی قرن بیستم و تغییر آن به صورت یک قصه مدرن، امکان دیگری است که در اختیار نویسنده قرار می‌گیرد. برای این منظور او متن داستان را تغییر می‌دهد و عناصر فضای داستانی عصر حاضر را جایگزین معادل سنتی آن می‌کند و همچنین شخصیت‌ها و کل داستان را به صورتی امروزی تبدیل می‌کند.

در این قسمت سه روایت بررسی شده است: داستان فیلیپ دوما^{۲۹} با عنوان **دختری زیبا با انگشتانی صدادار**^{۳۰} که در گروه داستان‌های وارونه^{۳۱} منتشر شده است، داستان **شاهزاده‌ای در سبد**، اثر لیلیان کرب^{۳۲} و لورانس لوفور^{۳۳} و **خواب طولانی**^{۳۴} نوشته ایوان پومو.

ج - ۱) آیا در این قالب باز هم یک قصه است؟

این پرسش نیز در مورد روش دوم بازآفرینی نیز بسیار اهمیت دارد: آیا اثر نهایی در قالب جدید باز هم یک قصه خواهد بود و یا تبدیل به نوع دیگر ادبی می‌شود. برای این منظور چهار ویژگی قصه‌ها را در نظر می‌گیریم و در داستان‌ها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

● فرمول‌های مستعمل ابتدا و انتهای داستان

نویسندگان این گروه معمولاً از این فرمول‌ها استفاده نمی‌کنند. تمایل این نویسندگان بیشتر به جدا شدن از جهان داستان، منحرف کردن خواننده و جلوگیری از تشخیص فوری نوع نوشتار از سوی او می‌باشد. با این وجود یک استثنا به چشم می‌خورد، فیلیپ دوما سبک قصه اصلی را حفظ کرده است تا بهتر بتواند از آن فاصله بگیرد. تمام آثار کلاسیک که در کتابی به نام داستان‌های وارونه گردآوری شده‌اند با فرمول‌های مشخصه ابتدایی، آغاز و با فرمول‌های مشخصه پایانی به اتمام می‌رسند. این کار موجبات انحراف ذهن خواننده از مواجه شدن با عناصری که انتظار می‌رود، فراهم می‌آورد و در نهایت او عناصری را می‌یابد که عکس انتظاراتش است و یا عناصری پیش‌بینی نشده‌اند.

● یک روایت غیرواقعی و بدون زمان مشخص

نویسندگان، از این نقطه نظر، تعریف قصه را تغییر می‌دهند، آنها به جای قرار دادن داستان در زمان و مکان خیالی و غیرواقعی و اعجاب‌انگیز، زمان و مکان داستان خود را کاملاً مشخص می‌کنند. فیلیپ دوما قصه خود را به صورت سنتی، با این کلمات آغاز می‌کند: «یکی بود یکی نبود، یک پرنس زیبا بود...» اما داستان با این جمله به پایان می‌رسد: «... که در منطقه رون^{۳۵} در سن مارتینیم^{۳۶} زندگی می‌کردند.» به این ترتیب نویسنده نوع ادبی اثر خود را عوض می‌کند و با مشخص کردن خصوصیات جغرافیایی و زمانی داستان خود، خواننده را متعجب می‌سازد. چون این تعیین مکان استانی، مدرن بودن داستان را القا می‌کند. لیلیان کرب هم روایت خود را به تاریخ ۱۹۹۹ بیان کرده است. اما می‌دانیم که مشخصه اصلی داستان بی‌زمان بودن آن است.

حال این سؤال مطرح است که آیا با قرار دادن داستان در جهان جغرافیایی و تسلسل تاریخی مشخص که ویژگی بی‌زمان بودن قصه را از آن می‌گیرد، باز هم اثر نهایی قصه است؟ علاوه بر آن، این نوع داستان‌ها خیلی زودتر از قصه‌های سنتی، قدیمی می‌شوند - با توجه به اینکه می‌دانیم قصه‌های کلاسیک فرازمانی بوده و توانسته‌اند در طی قرون و اعصار زنده بمانند - از طرفی با ذکر تاریخ، خود داستان هم کهنه می‌شود چون خواننده با گذر زمان نمی‌تواند خود را در زمان مشخص داستان بازشناسد. برای مثال، فیلیپ دوما از یک یاقوت کبود الکتروفون^{۳۷} به عنوان یک شیء تیز برای پدیدار شدن افسون استفاده کرده است. این وسیله برای کودکان هم دوره داستان یعنی سال ۱۹۷۰ شناخته شده بود ولی کودکان سال ۲۰۰۰ که دیسک‌های فشرده را دیده‌اند، آن را نمی‌شناسند.

وضعیت ایوان پومو بسیار سخت‌تر است. سبک تصاویر داستان، سال‌های ۱۹۲۰ را در آمریکا نشان می‌دهد که برای کودکان این دوره شناخته شده نیست و حتی مشابه زمان حاضر هم نمی‌باشد. در نتیجه آنها را در یک حالت ابهام قرار می‌دهد. علاوه بر آن، تصاویر کتاب بسیار خالق‌العاده هستند. باید گفت که تصاویر برای ایوان پومو بسیار اهمیت دارند، چرا که از طریق آنها عواطف را انتقال می‌دهد. (رفتارها، رنگ‌ها، شادی‌ها، توصیف‌ها) و شاید بتوان گفت تصاویر در انتقال تحلیل‌ها و نظریه‌ها گویاتر از خود متن هستند.

ایوان پومو شگفتی را به داستان امروزی وارد کرده است. ساختار بدنی انسان و حیوان بدون اینکه تعجبی ایجاد کنند با یک ویژگی نشان داده شده‌اند مثلاً خانم گربه را مانند یک زن نشان داده است.

با این اوصاف، ایوان پومو در خلق جهانی خاص که نیمه امروزی و نیمه خارق‌العاده است موفق بوده است.

● وساطت چیزهای اعجاب‌انگیز

در دنیای کنونی، خارق‌العاده‌هایی مثل پریان و افسون‌ها، نسبت به دنیای سنتی قصه‌ها کمتر استفاده می‌شوند. بنابراین

نویسندگان آشکارا پریان را نشان نمی‌دهند. برای لیلیان کرب و لورانس لوفور فقط یک پری افسون می‌کند و پری دیگری وجود ندارد و همین‌طور هدیه‌های آن و مراسم تعمیر هم حذف شده است. اما این پری به چشم هیچ کس نمی‌آید چون او به صورت یک انسان است و قابلیت‌های خود را نیز نمی‌تواند نشان دهد. ایوان پومو پری زشتی را بدون ذکر جزئیات زیادی راجع به او به تصویر کشیده است. فیلیپ دوما در داستانش از مراسم تعمیر، افسون، عامل ضد شادی، عامل جبران‌کننده استفاده کرده است اما از پریان کمکی نگرفته است. عمه الیزابت^{۳۸} که همه او را مسخره می‌کردند و پسر عمه برتراند دوهاور^{۳۹} که در سحر و افسون و نسخ آدمها تبحر داشت، جای پریان را گرفته بودند.

به این ترتیب شخصیت‌های جادویی و خارق‌العاده حذف شده‌اند و یا در گروه عناصر فرعی داستان‌های مدرن قرار گرفته‌اند.

• شخصیت‌های نامشخص

این داستان بیشتر به داستان‌های مدرن شباهت دارند و شخصیت‌های خارق‌العاده دیگر وجود ندارند. تمام شخصیت‌ها دارای نامی هستند و در بعضی موارد در یک مکان جغرافیایی خاص قرار دارند (مانند شخصیت‌های داستان فیلیپ دوما).

ج - ۲) آنچه باقی می‌ماند

علاوه بر شخصیت‌های خارق‌العاده، باید خاطر نشان کرد که برخی عناصر قصه اصلی در داستان‌های مدرن امروزی حفظ می‌شوند، مثل افسون و مدت زمان طولانی آن و یک شیء تیز که تماس با آن منجر به پدیدار شدن افسون می‌شود.

مدت طولانی زمان تأثیر افسون از مشخصه‌های قصه زیبای خفته می‌باشد. ایوان پومو یک دوره صد ساله و لیلیان کرب و لورانس لوفور یک دوره ۲۰۵ ساله را برای افسون خود انتخاب کرده‌اند. فیلیپ دوما با اینکه از زمان طولانی یک قرن استفاده نکرده است ولی برای نشان دادن مدت زمان طولانی افسون روش دیگری را اتخاذ کرده است. او مردمی را نشان داده که تحت تأثیر افسون نمی‌توانند از رقصیدن خود جلوگیری کنند و شب و روز می‌رقصند.

بنابراین تأثیر افسون تنها یک خواب عمیق نیست (ایوان پومو و لیلیان کروب و لورانس لوفور از افسون خواب استفاده کرده‌اند) اما شیئی که واسطه پدیدار شدن افسون است هر چه که باشد، شیء تیز و برنده است. دوک چرخ نخریسی در قصه اصلی پرو و گریم در داستان خواب طولانی و شاهزاده‌ای در سبد استفاده شده است. فیلیپ دوما از یک یاقوت الکتروفون استفاده کرده است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد عنصر مشخصه قصه زیبای خفته همین شیء تیز باشد که افسون قهرمان را بیدار می‌کند.

در نهایت، نویسندگان «داستان‌های مدرن» هر چند به صورت ضمنی به نسخه اصلی قصه اشاره می‌کنند اما در داستان خود کم و بیش با کنایاتی بسیار روشن، به آن می‌پردازند. قهرمان داستان خواب طولانی اثر ایوان پومو، برای یاری به روزین به «سازمان مشهور امور جنایی» متوسل می‌شود که خود تغییر شکل داستان گریم است. فیلیپ دوما در ابتدای داستانش به قصه زیبای خفته اشاره می‌کند که تنها داستان ذکر شده در این اثر می‌باشد. لیلیان کروب و لورانس لوفور داستان خود را براساس قصه شارل پرو بنیان نهادند و چگونگی شکل گرفتن اندیشه این قصه‌ها را در ذهن او بیان کردند. این نویسندگان در این کتاب برای آگاهی خوانندگان از عنوان قصه و نویسنده آن و تاریخ چاپ اول و نام ناشر، توضیحاتی داده‌اند.



ج - ۳ آنچه تغییر می‌یابد

در این قسمت تغییرات مربوط به مدرن کردن داستان و شخصیت‌های آن می‌باشد. گرایش نویسندگان امروزی بیشتر به انواع دیگر ادبی مثل فانتزی و یا رمان‌های پلیسی است.

لیلان کروپ و لورانس لوفور شگفتی را از داستان خود حذف کرده و به فانتزی تبدیل کرده‌اند. پری در داستان شاهزاده‌ای در سبد مانند داستان پرو آشکار نیست. پری باید خود را مخفی کند و پدیده‌های سحرآمیز در دنیای داستان جایی ندارند - ... مانند آنچه که در دنیای واقعیت وجود دارد - بنابراین می‌توان گفت که این اثر در ردیف داستان‌های فانتزی قرار می‌گیرد.

نویسندگان از انواع دیگر ادبی نیز استفاده می‌کنند، مثل داستان‌های پلیسی. لیلیان کروپ و لورانس لوفور و به‌خصوص ایوان پومو داستان خود را در قالب یک تجسس سازمان‌دهی کرده‌اند. در کتاب شاهزاده‌ای در سبد، شخصیت‌های داستان برای یافتن دوک سحرآمیز تحقیق می‌کنند. یک کارآگاه خصوصی به شخصیت داستان ایوان پومو به نام جان چاترتون*^۴ مظنون است چرا که او را مسئول بدبختی روزبهین می‌داند.

نویسندگان با بیرون کشیدن ویژگی‌های اصلی قصه و با نزدیک‌تر کردن داستان خود به انواع فانتزی یا پلیسی، سعی در بی‌ثبات کردن خواننده خود دارند. البته این انواع ادبی هم ضرری ندارد چرا که آنها محبوب نوجوانان امروز هستند؛ و این مسأله نشانگر گرایش نویسندگان به مدرن کردن قصه‌ها و جذاب کردن آنها برای کودکان امروزی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نویسندگان زیادی از قصه‌های پریان اقتباس کرده‌اند تا داستان‌های جدیدی را بازآفرینی کنند. گروهی ضمن نگهداری فضا و سبک داستان آنها را بازنویسی می‌کنند و یا گروهی دیگر قصه‌ها را به سمت داستان‌های مدرن و انواع فانتزی یا پلیسی سوق می‌دهند.

با تمام این تغییرات اثر نهایی همان قالب قصه را خواهد داشت، به دلیل اینکه اقتباسی از یک قصه اصلی است. به لطف همین آثار کلاسیک است که نویسندگان فضایی صمیمی با خواننده خود ایجاد می‌کنند و پیام اخلاقی آن را عوض می‌کنند و یا به ریشخند کردن جامعه می‌پردازند.

در پایان سؤالاتی راجع به دریافت واقعی کودکان از این قصه‌ها مطرح است که پاسخ به آنها می‌تواند شروع تحقیقاتی دیگر باشد: آیا کودکان پیش دبستان به راحتی می‌توانند پیام داستان را درک کنند؟ با توجه به اینکه ضمن رشد کودک، فهم او از کنایات، اشاره‌ها و پیام‌های اخلاقی قصه‌ها بیشتر می‌شود، این سؤال مطرح است که آیا قصه‌ها با کودک رشد می‌یابند؟

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|---|
| Jean Verrier .۲۲ | Laetitia Patin .۱ |
| Belle .۲۳ | Frederic Clement .۲ |
| Gratelle .۲۴ | La belle au Bois Dormant .۳ |
| Doris Barrette .۲۵ | Charles Perrault .۴ |
| Belle .۲۶ | Grimm .۵ |
| Klimt .۲۷ | Les contes de ma mere l'Oye .۶ |
| Odilon Redon .۲۸ | Les Contes d'enfants et du fayer .۷ |
| Philippe Duma .۲۹ | Walt Dsiney .۸ |
| La Belle au doigt bruyant .۳۰ | Claude Delafosse .۹ |
| Contes a l'envers .۳۱ | Un prince en baskets .۱۰ |
| Liliane Korb .۳۲ | Jasmine Dube .۱۱ |
| Laurence Lefevre .۳۳ | Gail Carson Levine .۱۲ |
| Le grand Sommeil .۳۴ | Yvan Pommaux .۱۳ |
| Roven .۳۵ | Rosepine .۱۴ |
| Seine Maritime .۳۶ | Dornroschen .۱۵ |
| ۳۷. وسیله‌ای که صداها ضبط شده روی صفحه‌ای گرد را پخش کرده و با بلندگویی آنها را تقویت می‌نماید. | Rose-epine .۱۶ |
| Elisabeth .۳۸ | La Belle au pied sentant .۱۷ |
| Bertran du Havre .۳۹ | Sonora la princesse au long Sommeil .۱۸ |
| John Chatterton .۴۰ | Gratelle au bois mordant .۱۹ |
| | Frederic Clement .۲۰ |
| | Songes de la belle au bois dormant .۲۱ |